

بایگاه اجتماعی-اقتصادی آن، طبقه پیوسته به استعمار (روس و انگلیس) با نیروهای اقتصادی نوپای جامعه (بازار، صاحبان سرمایه تجاری و مالی، زمین‌داران و اصناف) بیشتر شد.

تضاد اصلی و تعیین کننده در زمینه اقتصاد، چنان که اشاره شد، مسئله چگونگی مالکیت خصوصی و روابط حاکمیت با مالکیت بود. بازرگانان بزرگ (بازار) خواستار قانونی شدن مالکیت خصوصی بر سرمایه‌ها و ثروت‌های خود بودند، به گونه‌ای که هیچ کس (چه شاه و چه از شاهزادگان یا کارگزاران دولت و وابستگان به دربار) نتواند به پشتوانه مقام و پایگاه خود در حاکمیت سیاسی و نظامی، به ادای ایشان تجاوز و از آنان سلب مالکیت کند. با این انگیزه، این طبقات و گروه‌ها و اصناف وابسته به آنها که به علت فساد دربار و ستمهای حاکمان مستبد، از پشتیبانی توده‌های مردم بویژه در شهرها و بخشی از روشنفکران و شماری از روحانیون برخوردار بودند خواستار استقرار نظام مشروطه، تشکیل مجلس و دولت برگزیده مجلس، قانون اساسی، محدود شدن اختیارات شاه و مشارکت در رهبری سیاسی و اقتصادی کشور شدند. اما باید دانست و رویدادها هم نشان داد که هدف سرمایه‌داری تجاری از اعتراض به نظام استبدادی-سلطنتی، شرکت در سازمان دولت و تقسیم قدرت بود، نه دگرگونی بنیادی ساختار اقتصادی و سیاسی جامعه و استقرار دموکراسی و مردم‌سالاری و رها شدن اکثریت مردمان از فقر.

در میان صاحبان سرمایه‌های تجاری و مالی، گروهی خواستار قطع نفوذ و سلطه سیاسی و بویژه اقتصادی دولت‌های استعماری روس و انگلیس و مبارزه با سیل کالاهای وارداتی خارجی بودند تا با کوتاه شدن دست استعمارگران بیگانه، سرمایه‌داران ملی در ایران بتوانند در راه پایه‌گذاری و گسترش صنایع تلاش کنند و ایران استقلال اقتصادی خود را با جلوگیری از فرار سرمایه‌ها و انباشت آن در کشور به دست آورد.

این گروه از بازرگانان و سرمایه‌داران ملی که

با استقرار نظام مشروطه در ایران، با وجود محدود شدن اختیارات شاه به موجب قانون اساسی، تشکیل مجلس شورای ملی، مسئولیت دولت در برابر مجلس و دیگر دگرگونیهای اداری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، به علت ادامه یافتن شیوه تولید مستعمراتی، نفوذ و سلطه استعمار سرمایه‌داری و تداوم حاکمیت طبقه پیوسته به استعمار بر جامعه ایرانی پایان نیافت، بلکه پس از سرکوب نیروهای اجتماعی و سازمانهای مردمی، سازمان یافته‌تر از گذشته تحکیم و تثبیت شد.

آنچه به گونه چشمگیر رخ داد، ورود عناصر اجتماعی و اقتصادی تازه به بافت اقتصادی و سیاسی طبقه پیوسته به استعمار و دولت وابسته به استعمار سرمایه‌داری در ایران بود.

تا آن زمان شاه، درباریان و اشراف، خان‌ها و زمین‌داران بزرگ، گذشته از قدرت سیاسی و نظامی قدرت اقتصادی را نیز در دست داشتند و به دو جناح وابسته به دولت‌های استعماری انگلستان و روسیه تزاری تقسیم می‌شدند و با به کار بردن زور و خشونت استبدادی، خواستار نگهداشت قدرت سیاسی-نظامی خود بودند و با هر دگرگونی سیاسی مخالفت می‌ورزیدند تا خدشه‌ای به منافع طبقاتی و نظام استثماری حاکم وارد نشود.

اما بازرگانان بزرگ و زمینداران بزرگ و بطور کلی صاحبان سرمایه تجاری و مالی که به علت گسترش مناسبات بازرگانی خارجی با کشورهای اروپایی از اواسط سده نوزدهم میلادی رفته رفته پا گرفته بودند ولی راهی به دربار که مرجع صدور احکام و فرمانها در همه زمینه‌های سیاسی، اداری، نظامی و اقتصادی بود نداشتند و مالکیت خود بر سرمایه‌ها و ثروت‌ها را در معرض تجاوز و تعرض شاه و عناصر درباری می‌دیدند، خواستار امنیت مالکیت خصوصی و مشارکت در نظام سیاسی بودند.

در بررسی علل اقتصادی نهضت مشروطه، توجه دقیق به نکات زیر لازم است:

در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، تضاد روبنای سیاسی جامعه (سلطنت استبدادی قاجار) و

## زمینه اقتصادی: عاملی تعیین کننده در استقرار نظام مشروطه

پروفیسور شاپور رواسانی

## ● در اواخر سلطنت

ناصرالدین شاه قاجار،  
تضاد روبنای سیاسی  
جامعه (سلطنت استبدادی  
قاجار) و پایگاه اجتماعی -  
اقتصادی آن، طبقه پیوسته  
به استعمار (روس و  
انگلیس) با نیروهای  
اقتصادی نوپای جامعه  
(بازار، صاحبان سرمایه  
تجاری و مالی، زمین داران  
و اصناف) بیشتر شد.

هم نمی‌شود) که استعمار سرمایه‌داری در همه  
جوامع مستعمراتی و بطور کلی در همه جوامعی که  
توانسته وارد شود و به صورت یک عامل خارجی  
نیرومند با برنامه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی  
عمل کند و به گونه مستقیم یا با واسطه اقشار و  
طبقات معین (موجود یا پرورش یافته) حاکمیت را  
به دست گیرد، خود مانع رشد و گسترش شیوه تولید  
سرمایه‌داری و صنعتی شدن این کشورها و جوامع  
شده است و می‌شود تا بر اثر رشد طبقه سرمایه‌دار  
ملی رقیبی برای سلطه کالایی و سرمایه‌ای اش و با  
یا گرفتن سازمانهای کارگری، دشمنی برای  
استمرار سلطه اش پدید نیاید.

سرمایه‌داری استعماری در چارچوب سیاست  
کلی خود درباره مستعمرات و کشورهای عقب  
نگهداشته شده، در مورد ایران نیز عمل کرد  
(ومی کند). استراتژی سلطه سرمایه‌داری  
استعماری در همه این جوامع زیر نفوذ، بر هدایت و  
پشتیبانی طبقه پیوسته به استعمار استوار است. با  
استقرار مشروطه، پیوندهای طبقه پیوسته به  
استعمار در ایران با دولت استعماری بریتانیا  
گسترده‌تر و استحکام بیشتری یافت.

۳- نه تنها در ایران، بلکه در همه جوامع  
استعمار زده و عقب نگهداشته شده زیر نفوذ و  
سلطه استعمار سرمایه‌داری، سرمایه‌داران ملی  
(اعم از صاحبان سرمایه تجاری، صنعتی یا اصناف)  
از نظر اجتماعی وضع متزلزلی دارند زیرا این طبقه  
واقشار اصلاح طلب و سازشکار وابسته به آن،  
به علت ادامه داشتن استثمار داخلی، داشتن برخی  
امتیازات و وابستگی‌های طبقاتی و جانبداری از  
نظام استثماری داخلی، نمی‌تواند در مبارزه با  
استعمار خارجی، سخنگو و حافظ منافع توده‌های  
استثمار شونده و محرومان که در پی دفاع از حق  
حیات و دستاوردهای خود و در این رابطه خواستار  
استقرار آزادی‌های سیاسی و اجتماعی هستند،  
باشد؛ زیرا ادستی که نان می‌دزد نمی‌تواند آزادی  
پبخشد و آزادی به معنای رهایی از استبداد و فقر و  
محرومیت برای همه کسانی است که کار می‌کنند و  
زحمت می‌کشند. حتی اگر سرمایه‌داری ملی در

مخالف سلطه استعمار خارجی بودند و  
می‌پنداشتند خواهند توانست در چارچوب قانون  
اساسی، شیوه تولید سرمایه‌داری را در ایران  
گسترش دهند و موجبات و شرایط تحول سرمایه  
تجاری به سرمایه صنعتی را مانند آنچه در اروپا رخ  
داده بود فراهم سازند، همراه با رهبران بازار و  
اصناف، بخشی از روحانیون پیشرو و روشنفکران  
آزادیخواه خواستار استقرار دموکراسی سیاسی و  
آزادی بیان، اجتماعات، مطبوعات و... (متمم  
قانون اساسی) شدند تا بتوانند با آگاه ساختن و  
تجهیز توده‌های محروم، رهبری مبارزات ضد  
استعماری را که به علت پیوستگی طبقه حاکم به  
استعمار خارجی، به گونه مبارزات اجتماعی ضد  
استبدادی و مبارزات طبقاتی در می‌آمد به عهده  
گیرند.

در بررسی مبارزات اجتماعی برای استقرار  
نظام مشروطه، توجه به چند نکته اهمیت دارد:

۱- نمایندگان و وابستگان به طبقات سرمایه‌دار،  
ثروتمند و اصلاح طلب که با سلطه استعمار  
خارجی مخالفت می‌ورزیدند، مخالفتی با نظام  
اقتصادی استثماری داخلی، شیوه تولید مسلط و  
ادامه یافتن بهره‌کشی از کشاورزان و زحمتکشان  
شهری و بطور کلی توده‌های محروم در شهر و  
روستا نداشتند و در مرفقی ترین وجه، خواستار  
استقرار شیوه تولید سرمایه‌داری بودند. از این رو،  
تضاد طبقاتی آنان با طبقات واقشار محروم جامعه  
ایرانی گرچه در آن دوران آشکارا مطرح نبود، اما  
به گونه نهفته وجود داشت و باقی ماند و مانع از آن  
شد که طبقات واقشار ثروتمند و مرفه که در پی  
حفظ منافع طبقاتی خود بودند، از پشتیبانی طبقات  
زحمتکش که در سایه پراکندگی و ناآگاهی‌های  
سیاسی و اجتماعی یک طبقه وسیع بالقوه، نه یک  
طبقه بالفعل را تشکیل می‌دادند، چنان که  
می‌خواستند بهره‌مند شوند. این تضاد نهفته در  
سالهای پس از استقرار نظام مشروطه و به گونه  
برجسته در نهضت جنگل آشکار شد ولی سرکوب  
گردید.

۲- به این حقیقت تاریخی توجه نمی‌شد (و هنوز

هم نخواهد بود زیرا کوتاه کردن دست سرمایه‌داری استعماری، تنها با نفی نظام اجتماعی-اقتصادی استثماری داخلی، خلع ید از طبقات و اقشار استثمار کننده و استقرار حاکمیت و مالکیت جامعه بر همه شئون اجتماعی و اقتصادی ممکن است و تنها از این راه می‌توان از بازگشت استثمار خارجی و استثمار کنندگان داخلی جلوگیری کرد.

در جریان استقرار نظام مشروطه که رفته رفته توده‌های محروم در شهر و روستا آگاهانه وارد فعالیت‌ها و سازمان‌های آزادیخواهانه شدند و خواسته‌های طبقاتی محرومان را (چنان که در ادبیات سیاسی آن دوره بازتاب یافته است) مطرح کردند، می‌توان ائتلاف طبقه متوسط مرفه و سازشکار و اصلاح طلب با طبقه پیوسته به سرمایه‌داری استعماری و با استثمار بریتانیا در برابر جنبش‌های حق طلبانه را دید.

تصرف تهران به دست نیروهای عشایری (از جنوب) و نیروهایی که رهبری آن را زمینداران بزرگ (از شمال) داشتند، قدرت یابی لژهای فراماسونی و وابستگان به دربار و همکاری پاره‌ای از سرمایه‌داران تجاری و آزادیخواهان مشروطه خواه با دولت بریتانیا و سرانجام افتادن قدرت دولت مشروطه به دست این نیروها همراه با سرکوب شدن نیروهای مردمی، موجب تحکیم سلطه مشترک و سازمان یافته این نیروها در ایران شد. در سایه این همکاری، امکان اجرای مواد متمم قانون اساسی که در آن از بسیاری آزادی‌های اجتماعی و سیاسی یاد شده بود پدید نیامد و هرگز به این مواد متمم عمل نشد.

در فرمان مشروطیت که مظفرالدین شاه قاجار در ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ (۱۴ مرداد ۱۲۸۴) امضاء کرد آمده بود: «مجلس شورای ملی باید از منتخبین شاهزادگان، و علمای قاجار به و اعیان و اشراف و ملائکین و تجار و اصناف به انتخاب طبقات مرقومه در دارالخلافت تهران تشکیل شود...»<sup>۲</sup> پس از صدور فرمان مشروطیت، هیأتی از اشراف مأمور تنظیم نظامنامه انتخاب شدند:

۱- مخیر السلطنه هدایت (فراماسون)

۲- مرتضی قلیخان صنیع الدوله (فراماسون)

۳- محتشم السلطنه (فراماسون)

چنین جوامعی بتواند به قدرت سیاسی و سازمانی دولت دست یابد، نمی‌تواند یک جامعه استعمارزده و عقب نگه داشته شده را از یوغ سرمایه‌داری استعماری رها و آزاد کند زیرا شیوه تولید سرمایه‌داری (و همچنین شیوه تولید مستعمراتی) بر هر جامعه‌ای که سایه افکن باشد و به هر عنوان که مطرح یا تبلیغ شود، بخشی از سرمایه‌داری جهانی است نه نظامی مخالف یا بیرون از چارچوب آن و ناگزیر در راهی مغایر با منافع و خواسته‌های طبقاتی محرومان و زحمت کشان حرکت می‌کند و مرحله به مرحله به سرمایه‌داری جهانی می‌پیوندد و خواهان جهانی سازی سرمایه‌داری می‌شود.

۴- در جوامع استعمارزده و عقب نگه داشته شده، هنگامی که طبقه متوسط، مرفه، اصلاح طلب و سرمایه‌داری ملی از سوی توده‌های محروم و استثمار شده محلی و ملی در پر تو افزایش آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی و طبقاتی آنها احساس خطر کند و بتواند جلو گرایش جنبش ضد استعماری به چپ مستقل یعنی حرکت به سوی مخالفت با شیوه‌های تولید استثماری از جمله سرمایه‌داری را بگیرد و مردمان محروم جامعه خواستار استقرار دموکراسی به معنای اعمال حاکمیت و مالکیت جامعه بر اقتصاد شوند، نخست به تحریف و مقاومت دست می‌زند و اگر از عهده شهروندان محروم بر نیاید و در مورد ساختار نظام حاکم احساس خطر کند و منافع طبقاتی اش را در معرض تهدید ببیند، به صورت همکار و شریک طبقه پیوسته به استثمار و استثمار سرمایه‌داری درمی‌آید و چه بسا (چنان که در نهضت مشروطه می‌توان نشان داد) در سرکوبی نهضت‌های اعتراضی توده‌های محروم و تهیدست شرکت می‌جوید تا از دگرگون شدن شیوه تولید استثماری مسلط جلوگیری کند و در این زمینه از ترویج فرهنگ سرمایه‌داری پشتیبانی می‌کند.

۵- در مستعمرات و کشورهای عقب نگه داشته شده، اگر جنبش آزادی خواهانه و ضد استعماری مردمان از دید اجتماعی و اقتصادی ضد نظام حاکم استثماری (شیوه تولید مستعمراتی) و در همین رابطه ضد استقرار شیوه تولید سرمایه‌داری نباشد، در واپسین مرحله و تحلیل، ضد استثمار خارجی

● هدف سرمایه‌داری  
تجاری از اعتراض به نظام  
استبدادی - سلطنتی،  
شرکت در سازمان دولت و  
تقسیم قدرت بود، نه  
دگرگونی بنیادی ساختار  
اقتصادی و سیاسی جامعه و  
استقرار دموکراسی و  
مردم سالاری و رها شدن  
اکثریت مردمان از فقر.

۴- میرزا حسن خان «مشیرالدوله» پیرنیا (فرماسون)

۵- میرزا حسن خان «مؤمن الملک» (فرماسون)<sup>۳</sup>

در ماده ۲ نظامنامه انتخابات آمده بود: «ملاکین و فلاحین، آنها باید صاحب ملکی باشند که هزار تومان قیمت داشته باشد»؛<sup>۴</sup> درباره تجار دارای حق رأی گفته شده بود: «... آنها باید حجره و تجارت معین داشته باشند»<sup>۵</sup> و درباره اصناف: «... اصناف باید از اهل صنف و کار معین صنفی باشند و دارای دکانی باشند که کرایه آن دکان مطابق کرایه‌های حد متوسط محلی باشد».<sup>۶</sup> بر پایه این نظامنامه، فقط افراد صاحب دارایی و شغل از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن بهره‌مند شدند توده‌های انبوه مردمان محروم و تهیدستان، کشاورزان بی‌زمین و زحمتکشان شهری نقش و مشارکتی در سازمان دولت نیافتند.

قانون اساسی مصوب ۱۲۸۵ و متمم آن مصوب ۱۲۸۶ برآیند توافقی بود که میان دربار، اشراف درباری، سرمایه‌داران بزرگ و طبقه اصلاح طلب، سازشکار و مرفه بر سر تقسیم قدرت در رهبری سیاسی جامعه و مسئله مالکیت بر سرمایه‌ها و ثروت‌ها انجام گرفته بود.

در اصل ۲۷ متمم قانون اساسی مشروطه آمده بود: «قوة مقننه» ناشی می‌شود از اعلیحضرت همایونی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هر یک از این سه منشأ حق انشاء قانون دارند.» از آنجا که طبق اصل ۴۵، از شصت تن اعضای مجلس سنا، می‌بایست سی تن را شاه برگزیند و سی تن را ملت انتخاب کنند<sup>۷</sup> و فقط افراد باسواد حق انتخاب کردن و انتخاب شدن داشتند، روشن می‌شود که بر سر تقسیم قدرت سیاسی میان دربار و ایستگان به طبقه پیوسته به استعمار حاکم و ایستگان به طبقه سازشکار، اصلاح طلب با پایگاه اجتماعی-اقتصادی سرمایه‌تجاری، توافق‌های لازم شده بوده است.

۷) بند سوم از اصل ۲۷ متمم قانون اساسی مقرر می‌داشت که «قوة اجرائیه مخصوص پادشاه است» و بر پایه اصل پنجاهم «فرمانرئیتی کل قشون بری و بحری با شخص پادشاه» بود.<sup>۸</sup> اما به منظور

حفظ تعادل در تقسیم قوای دولتی، در بند اول از اصل ۲۷ قانون اساسی آورده بودند «وضع و تصویب قوانین راجعه به دخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است».<sup>۹</sup>

از اصول مهم متمم قانون اساسی که خواست اصلی بازرگانان بزرگ و ثروتمندان و سرمایه‌داران را برمی‌گرفت اصول ۱۵، ۱۶ و ۱۷ بود.

- اصل پانزدهم: هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمی‌توان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تأدیه قیمت عادلانه.  
- اصل شانزدهم: ضبط املاک و اموال مردم بعنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر به حکم قانون.

- اصل هفدهم: سلب تسلط مالکیت و متصرفین از املاک و اموال متفرقه ایشان به هر عنوان که باشد ممنوع است مگر به حکم قانون.<sup>۱۰</sup>  
در مجلس اول که در تاریخ ۱۳ مهر ماه ۱۲۸۵ برابر با ۱۷ شعبان ۱۳۰۴ هـ.ق با سخنان مظفرالدین شاه قاجار بی‌حضور نمایندگان شهرستانها گشایش یافت، نمایندگان گروههای گوناگون اجتماعی-اقتصادی ایران حضور داشتند.

توزیع نمایندگان مجلس اول بر حسب مراتب اجتماعی آنان		
مراتب اجتماعی	تعداد	درصد
۱- شاهزادگان و قاجاریه	۸	۵/۰
۲- علما و طلاب	۴۷	۲۹/۲
۳- عمال دیوانی (اعیان)	۳۶	۲۲/۳
۴- تجار	۲۸	۱۷/۴
۵- اصناف	۲۹	۱۸/۰
۶- سایر و نامعلوم	۱۳	۸/۰
جمع	۱۶۱	۱۰۰/۰

در میان ۱۶۱ تن نمایندگان مجلس اول، شمار نمایندگان تجار، اصناف، علما و طلاب به ۱۰۴ نفر می‌رسید و شمار شاهزادگان قاجار، عمال دیوانی و اعیان ۴۴ تن بود. با توجه به روابط سنتی علما و طلاب با اصناف، تجار جزء، کسبه و بطور کلی توده مردم از اقشار گوناگون می‌توان گفت که در مجلس اول: نمایندگان سرمایه‌داری ملی و مشاغل و

● نمایندگان و ایستگان به طبقات سرمایه‌دار، ثروتمند و اصلاح طلب که با سلطه استعمار خارجی مخالفت می‌ورزیدند، مخالفتی با نظام اقتصادی استثماری داخلی، شیوه تولید مسلط و ادامه یافتن بهره‌کشی از کشاورزان و زحمتکشان شهری و بطور کلی توده‌های محروم در شهر و روستا نداشتند و در مرفی‌ترین وجه، خواستار استقرار شیوه تولید سرمایه‌داری بودند.

فترت و فرار محمد علی شاه، در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۲۸۸ گشوده شد. فرق اساسی مجلس اول و مجلس دوم از نظر پایگاه اجتماعی و ترکیب نمایندگان این بود که در دوره دوم نظام انتخاباتی صنفی از میان رفته بود و دیگر نمایندگان اصناف گوناگون به نمایندگی صنف خود در آن حضور نداشتند بلکه به جای آن، انتخابات با شرکت و رأی همگان انجام می گرفت و مردمان هر شهر و منطقه بی توجه به وضع و کارشان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن داشتند. درست است که لازمه دموکراسی و مردم سالاری شرکت همه اعضای جامعه فارغ از کار یا میزان درآمدشان در انتخابات مجالس قانون گذاری است، اما با توجه به ساختار اجتماعی جامعه ایران و نقش پول و زور و دخالت صاحبان قدرت و ثروت و انواع تقلبهای انتخاباتی و آنچه زمین داران بزرگ، خانها، سرمایه داران و ثروتمندان و کار گزاران دولت و درباریان و دولتهای بیگانه از زمان تشکیل مجلس شورای ملی تا ز پافتادن دودمان پهلوی در ایران انجام دادند می توان گفت که اگر نظامنامه انتخاب نمایندگان مجلس بر همان پایه صنفی باقی می ماند و گذشته از صاحبان سرمایه، زمین داران، نمایندگان کارگران و کشاورزان و اصناف نیز از سوی افراد وابسته به طبقه یا سازمان صنفی خود انتخاب و وارد مجلس می شدند، شرایط بهتری برای رشد اقتصاد ایران فراهم می آمد و رفته رفته از نفوذ و سلطه سرمایه داری استعماری و طبقه پیوسته به استعمار حاکم کاسته می شد.

در دوره اول مجلس ۳۶ درصد نمایندگان از اصناف بودند در حالی که در دوره های بعدی کسی بعنوان پیشه ور یا کاسب نمی توانست به مجلس راه یابد و به جای آنان که پشتیبان منافع صنفی و سخنگوی همکاران خود بودند، چنان که جدولهای پیوست این نوشتار نشان می دهد، سهم مالکان (البته مالکان بزرگ که با نظام حاکم روابط صمیمانه داشتند) و کارمندان دولت (که در خدمت دولت انجام وظیفه می کردند و وابسته بودند) در مجلس شورای ملی افزایش یافت.

۴ نفر	۱- شاهزادگان قاجار
۲ نفر	۲- علماء
۲ نفر	۳- طلاب
۱۰ نفر	۴- تجار
۶ نفر	۵- اعیان و ملاکین تهران
۳ نفر	۶- اشراف و ملاکین نواح تهران
(جمعاً ۲۵ نفر)	۷- از اصناف
یک نفر	- مذهب و صحاف و کاغذ فروش و کتاب فروش
یک نفر	- خیاط، رفوگر، عبادوز، رخت دوز، برده دوز، و قلاب دوز
یک نفر	- بزاز، حریر فروش، زیره فروش و دوره گرد
یک نفر	- عطاری، دوا فروش، جای فروش، و سقط فروش
یک نفر	- سمسار، حلاج، لحاف دوز و کهنه فروش
یک نفر	- زرگر، دواتگر، آهنگر و حلیمی ساز
یک نفر	- توتون فروش، سیگار فروش، و تنباکو فروش
یک نفر	- خیابار، علاف و نار فروش
یک نفر	- چوب فروش، نجار، صندلی ساز، خراط و حصیرباف
یک نفر	- علاقه بند، زردوز، یراق دوز، یراق باف و زرکش
یک نفر	- یخدان ساز، سراج، لیاف، فر کشدوز، بالان دوز، چادر دوز
یک نفر	- بنقال، بنکدار، آجیل فروش، میوه فروش، علاف جزه و ورزاز
یک نفر	- کلاهدوز، کلاه مال، پوست دوز و حرزاز
دو نفر	- کفش دوز و باره دوز
یک نفر	- نصاب، دیباغ، میخ فروش و بره فروش
یک نفر	- فیهومی
یک نفر	- فناد، گیوه فروش، جوراب فروش و جوراب دوز
یک نفر	- صرافین و صیرفیه
یک نفر	- مقنی، معسار، فخار، بنا، کاشی بز، کوزه فروش، کوزه بز
یک نفر	- نقاش، سنگتراش
یک نفر	- عصار، شمع، صابون بز، صابون فروش، و نفت فروش

گروههای اجتماعی وابسته به آن دارای اکثریت بودند و ساختار اجتماعی جامعه ایران در گروه بندی اجتماعی این مجلس بازتاب داشت. مجلس اول پیش از پایان دوره قانونی دو ساله، به دستور محمد علی شاه از سوی افسران روسیه تزاری که در خدمت دربار قاجار بودند به توپ بسته شد و منحل گردید. مجلس دوم پس از یک سال و ۴ ماه و ۲۱ روز

آنچه در همهٔ جدولها جلب توجه می‌کند این است که اکثریت شهروندان محروم جامعه اعم از زحمتکشان شهری و روستایی (که در جدول طبقهٔ پایین نامیده شده‌اند) نمایندگان در این مجالس نداشته‌اند.

\*\*\*

در اوایل نهضت مشروطه و در جریان مبارزات اجتماعی ضد استبدادی، بخشی از روحانیون که بنا به سوابق تاریخی و اجتماعی با سرمایه‌داران تجاری (بازار) همکاری داشتند و از اعتماد و احترام همهٔ اقدار و طبقات نیز برخوردار بودند با شرکت فعال در رهبری نهضت مشروطه موجبات

**وضع مشاغل نمایندگان در بیست دورهٔ قانونگذاری (به اعتبار چندشغلی بودن) بر حسب درصد**

شمارهٔ رتبه	ادوار قانونگذاری		دوره‌ها																			
	مشاغل و کلا	عده معلوم و کلاه	دوره اول	دوره دوم	دوره سوم	دوره چهارم	دوره پنجم	دوره ششم	دوره هفتم	دوره هشتم	دوره نهم	دوره دهم	دوره یازدهم	دوره دوازدهم	دوره سیزدهم	دوره چهاردهم	دوره پانزدهم	دوره شانزدهم	دوره هجدهم	دوره نوزدهم	دوره بیستم	
	مشاغل و کلا	عده معلوم و کلاه	۱۱۳	۱۰۵	۱۰۳	۱۰۵	۱۳۹	۱۲۵	۱۳۱	۱۲۵	۱۲۰	۱۳۴	۱۳۵	۱۳۴	۱۳۴	۱۳۳	۱۳۵	۱۳۱	۷۸	۱۳۴	۱۳۲	۱۷۴
	عده کل و کلاه		۱۵۳	۱۱۱	۱۰۴	۱۰۵	۱۳۹	۱۲۶	۱۳۲	۱۲۵	۱۲۰	۱۳۴	۱۳۵	۱۳۴	۱۳۴	۱۳۳	۱۳۵	۱۳۱	۷۹	۱۳۳	۱۳۳	۱۷۶
۱	ملاک		۸	۶	۶	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۲۲	۱۹	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۵	۱۸	۱۷	۲۶	۲۳	۲۹	
۲	ملاک و تاجر		۴	۳	۱	۳	۲	۲	۵	۴	۵	۴	۶	۶	۶	۲	۷	۶	۸	۵	۳	
۳	ملاک و کارمند دولت		۴	۱۴	۲۸	۲۶	۲۴	۲۱	۲۴	۲۳	۲۰	۱۴	۱۶	۱۶	۱۶	۲۵	۲۳	۱۸	۲۲	۲۴	۱۶	
۴	ملاک و کارمند دولت و مشاغل آزاد تخصصی		۱	۱	۲	-	-	۲	۲	۳	۳	۴	۵	۵	۷	۶	۴	۴	۲	۴	۵	
۵	ملاک و کارمند و مؤسسات ملی و غیر دولتی		۱	-	۳	-	۱	۱	۱	۲	۱	۲	۲	۲	۲	۱	۳	۳	۱	۳	۲	
۶	ملاک و روحانی		۳	۶	۹	۶	۸	۱۰	۸	۵	۶	۵	۵	۵	۶	۶	۲	۱	۱	۱	-	
۷	تاجر		۱۰	۵	۲	۶	-	۴	۸	۱۰	۱۳	۱۴	۱۱	۱۱	۱۲	۱۰	۵	۳	۱۰	۶	۴	
۸	بازاری - تاجر و کارمند دولت		۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	-	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	-	-	۱	
۹	اصناف		۲۶	-	۲	-	-	۲	-	۱	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
۱۰	روحانی		۱۴	۱۴	۱۸	۱۴	۱۰	۱۲	۹	۹	۲	۴	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
۱۱	روحانی و کارمند دولت		۲	۵	۳	۳	۶	۱	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۲	-	-	-	-	-	
۱۲	روحانی و مشاغل آزاد تخصصی		۱	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
۱۳	کارمند دولت		۱۶	۲۴	۱۳	۲۱	۱۸	۲۰	۱۶	۱۳	۱۳	۱۴	۱۱	۱۲	۱۰	۱۴	۱۸	۲۲	۲۳	۲۰	۲۱	
۱۴	کارمند دولت و مشاغل آزاد تخصصی		-	۲	۲	۴	۲	۳	۳	۲	۳	۶	۵	۴	۴	۳	۴	۴	۵	۸	۷	
۱۵	کارمند دولت و ملاک و مشاغل آزاد تخصصی		-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
۱۶	کارمند مؤسسات ملی		۴	۲	۱	-	-	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
۱۷	کارمند مؤسسات ملی و مشاغل آزاد تخصصی		-	-	۱	-	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	-	
۱۸	مشاغل آزاد تخصصی		۵	۱۶	۶	۴	۱۲	۴	۴	۶	۶	۸	۱۱	۱۲	۱۲	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۷	۷	
۱۹	طبقه پائین		-	-	-	-	-	-	-	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	-	-	-	۱	
	جمع		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

(بر گرفته شده از منبع شماره ۳، ص ۱۷۶)

## وضع مشاغل نمایندگان در سه عصر مشروطیت (به اعتبار چند شغلی بودن) در حسب درصد

ملاحظات	عصر سوم مشروطیت		عصر دوم مشروطیت		عصر اول مشروطیت	
	درصد	نوع مشاغل	درصد	نوع مشاغل	درصد	نوع مشاغل
	۲۳	ملاک	۲۱	ملاک	۱۹	۱ ملاک و کارمند دولت
	۲۰	ملاک و کارمند دولت	۱۹	ملاک و کارمند دولت	۱۸	۲ کارمند دولت
	۱۹	کارمند دولت	۱۴	کارمند دولت	۱۴	۳ روحانی
	۹	صاحبان مشاغل آزاد تخصصی	۱۰	تاجر	۹	۴ ملاک
	۷	تاجر	۸	صاحبان مشاغل آزاد تخصصی	۹	۵ صاحبان مشاغل آزاد تخصصی
	۵	ملاک و تاجر	۶	ملاک و روحانی	۶	۶ ملاک و روحانی
	۵	کارمند دولت و صاحبان مشاغل آزاد تخصصی	۵	ملاک و تاجر	۶	۷ اصناف
	۴	ملاک و صاحبان مشاغل آزاد تخصصی	۴	کارمند دولت و صاحبان مشاغل آزاد	۵	۸ تاجر
	۲	ملاک و کارمند مؤسسات ملی	۴	ملاک و صاحبان مشاغل آزاد تخصصی	۴	۹ روحانی و کارمند دولت
	۲	ملاک و روحانی	۴	روحانی	۳	۱۰ ملاک و تاجر
	۲	روحانی	۲	ملاک و کارمند مؤسسات ملی و غیر دولتی	۲	۱۱ کارمند دولت و مشاغل آزاد تخصصی
	۱	تاجر و کارمند دولت	۱	طبقه پایین	۲	۱۲ کارمند مؤسسات ملی و غیر دولتی
	۱	کارمند دولت و ملاک و مشاغل آزاد تخصصی	۱	روحانی و کارمند دولت	۱	۱۳ تاجر و کارمند دولت
	-	روحانی و کارمند دولت	۱	اصناف	۱	۱۴ ملاک و کارمند مؤسسات ملی و غیر دولتی
	-	مشاغل آزاد تخصصی و کارمند مؤسسات ملی	-	کارمند دولت و ملاک و مشاغل آزاد	۱	۱۵ ملاک و مشاغل آزاد تخصصی
	-	غیر دولتی	-	تاجر و کارمند دولت	-	۱۶ مشاغل آزاد تخصصی و کارمند مؤسسات ملی
	-	طبقه پایین	-	مشاغل آزاد تخصصی و کارمند مؤسسات ملی غیر دولتی	-	۱۷ روحانی و مشاغل آزاد تخصصی
	-	کارمند مؤسسات ملی و غیر دولتی	-	کارمند مؤسسات ملی و غیر دولتی	-	۱۸ طبقه پایین
	-	روحانی و صاحبان مشاغل آزاد تخصصی	-	روحانی و مشاغل آزاد تخصصی	-	۱۹ کارمند دولت و مشاغل آزاد تخصصی و ملاک
	۱۰۰	جمع	۱۰۰	جمع	۱۰۰	جمع

(بر گرفته شده از منبع شماره ۳، ص ۱۷۷)

باشد طرح و رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیئت علما در این باب مطابق و تبع خواهد بود و این ماده تا زمان ظهور حضرت حجت عصر عجل الله تعالی فرجه تغییر پذیر نخواهد بود»<sup>۱۴</sup>

این ماده با وجود صراحت کامل هرگز اجرا نشد زیرا پس از آنکه صاحبان سرمایه تجاری (بازاریان سرمایه دار و ثروتمند) و زمین داران بزرگ و اقبشار و طبقات مرفه وابسته به آنان با اشراف و درباریان سازش و در تقسیم قوا و حاکمیت شرکت کردند و زمانی که این اقبشار و طبقات ثروتمند توانستند حرکت ها و سازمانهای مردمی را سرکوب و متلاشی و نظام استثماری را همچون گذشته بر زحمتکشان شهری تحمیل کنند و دیگر نیازی به پشتیبانی توده ها، نظاهرات گسترده مردمی و بسیج نیروهای اجتماعی برای دستیابی به هدفهای خود

پیروزی نهضت و کاهش قدرت دربار و درباریان را فراهم کردند. با توجه به پایگاه ممتاز اجتماعی روحانیون، در متمم قانون اساسی چنین آمده بود:

«... مجلس مقدس شورای ملی در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام صل الله علیه و اله و سلم نداشته باشد... و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامی بر عهده علمای اعلام ادامه الله برکات وجود هم بوده و هست. لذا مقرر است در هر عصری از اعصار هیئتی که کمتر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشد... تا مواد که در مجلس عنوان می شود به دقت مذاکره و غور نموده هر يك از مواد... که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته

## منابع

۱. رواسانی، شاپور، دولت و حکومت در ایران، تهران: ۱۳۶۸، صص ۹۶-۱۰۹
۲. کرمانی، ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: ۱۳۴۶، ص ۳۲۴
۳. شجیعی، زهرا، نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانون گذاری، تهران: ۱۳۴۴، ص ۷۸ و زلوش، ح. م، نقش فراماسون ها در رویدادهای تاریخی و اجتماعی ایران (جلد دوم)، تهران: ۱۳۶۱، ص ۱۰۳
۴. کرمانی، پیشین، ص ۳۶۲
۵. همان
۶. همان
۷. اخگر، احمد، قانون اساسی (قوانین جزئی با آخرین اصلاحات)، تهران: ۱۳۴۹، ص ۱۱۹
۸. همان
۹. همان، ص ۱۲
۱۰. همان
۱۱. اشرف، احمد، موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران در دوره قاجار، تهران: ۱۳۶۲، ص ۱۱۹
۱۲. کرمانی، پیشین، ص ۳۹۲
۱۳. شجیعی، پیشین، ص ۱۳۸
۱۴. اخگر، پیشین، ص ۱۲

نداشتند، از روحانیون پیشرو مخالف استبداد با اندیشه‌های ضد ستم جدا شدند و علاقه‌ای به همکاری با این قشر اجتماعی و دفاع از دیانت در جهت تحقق عدالت اجتماعی و اخلاق اسلامی نشان ندادند و حتی در بسیاری از موارد و مراحل با نشر فرهنگ سرمایه داری به مبارزه با روحانیون ضد استبداد و ستم پرداختند. در بسیاری از جوامع و در یک جامعه معین در دوره‌های گوناگون تاریخی، این روند از سوی طبقات مرفه و ثروتمند، اصلاح طلب اما سازشکار با چهره‌های گوناگون تکرار شده است؛ زیرا برای وابستگان به طبقه پیوسته به استعمار و طبقه ثروتمند و مرفه اصلاح طلب ملی و محلی، مسئله اصلی، نگهداشت و افزایش منافع مادی طبقاتی است؛ اینکه نظام فرهنگی و سیاسی چه باشد، برای آنها در مراحل بعدی اهمیت و توجه قرار دارد زیرا این طبقات می‌کوشند با بهره‌برداری از قدرت اقتصادی خود، نظام‌های فرهنگی و سیاسی را با حفظ ظواهر چنان از درون دگرگون سازند که سرانجام مقاصد و نظریات سیاسی و فرهنگی شان تأمین و تضمین شود.

● در جریان استقرار نظام مشروطه که رفته رفته توده‌های محروم در شهر و روستا آگاهانه وارد فعالیت‌ها و سازمانهای آزادیخواهانه شدند و خواسته‌های طبقاتی محرومان را (چنان که در ادبیات سیاسی آن دوره بازتاب یافته است) مطرح کردند، می‌توان ائتلاف طبقه متوسط مرفه و سازشکار و اصلاح طلب با طبقه پیوسته به سرمایه داری و با استعمار بریتانیا در برابر جنبش‌های حق طلبانه را دید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی